

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۱۴ اکتوبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

نامطلوبان صفوف طالبان کی ها اند؟

(نکاتی برای شناخت بیشتر طالبان)



بعد از دیدار هیأت طالبان با هیأت امریکائی در قطر شورای وزیران امارت در کابل جلسه گرفت و در اعلامیه کوتاهش گفت که صفوف طالبان را از افراد نامطلوب پاک خواهند کرد. وزارت خارجه آمریکا نیز در اعلامیه‌ای از طالبان با حرفه‌ئی و صادق خواندنشان در مذاکرات، قردانی نمود و گفت که نگرانی‌های خود را "درباره فعالیت گروه‌های تروریستی" در افغانستان با هیأت طالبان شریک کرده اند. ازینرو، اگرچه اعلامیه تصفیه‌کاری صفوف طالبان بی‌ربط به فرمایشات امریکائی‌ها نیست، اما به‌منظر نمی‌رسد محدود به آن فرمایشات باقی بماند. یکی از سخنگویان طالبان در مصاحبه با بی‌بی‌سی نامطلوبان صفوف آن گروه را این‌گونه دسته‌بندی کرده است:

الف) آنانی که پیشینه نامعلوم دارند.

ب) کسانی که عملکردشان مشکوک است.

ج) آنانی که شیوه کارشان مغایر با شیوه کار طالبان می باشد.

د) کسانی که از اوامر صادره رهبری طالبان فرمان نمی برند.

ه) آنانی که با واسطه دیگران به صفوف طالبان وارد شده اند.

طالبان گروه مخفی کار و کم گوی است. به ندرت به ارتباط به مشکلات داخلی خود توضیح می دهند و بیشتر مواقع اختلافات و تضادهای درونی را بدون نشر اعلامیه و خبر "حل و فصل" می کنند. لذا اعلامیه اخیر آن گروه و توضیحی که سخنگوی شان داده است در نوع خود کم نظیر است. طالبان اعتراف کرده اند که گروه شان تحریک پر از تنوع و پراکندگی است و تا پیش از زمان تصرف مجدد کابل، چتری برای فعالیت انواع گروه ها، افراد و دسته های فرمانبر و نافرمان بوده و از تشکیلات و اداره واحدی برخوردار نبوده است. این وضعیت برای ایجاد بی ثباتی و زیر سوال بردن نظام مؤثر بوده ولی اکنون که طالبان در مقام نظام نشسته اند، نمی توانند بدون ایجاد نظم و اداره در صفوف خود اوضاع را مدیریت کنند. این جا با پی گیری مشخصاتی که سخنگوی طالبان از نامطلوب ها داده است، می کوشیم از یکسو با وضعیت تشکیلاتی و ترکیب طالبان بیشتر آشنا شویم و از سوی دیگر ببینیم که در هفته ها و ماه های آینده کدام گروه های فعال در زیر چتر طالبان سرکوب یا تصفیه خواهند شد. البته اگر چنین تصفیه ای مقدور باشد و طالبان واقعاً نیت رویاروشدن با بلایای درونش را داشته باشد.

اگر فرض را به این بگیریم که سخنگوی طالبان مشخصات نامطلوب ها را در روشنائی بحث هایی داده است که در شورای وزیران و جلسات داخلی آن گروه انجام شده و نیز تعهداتی که به امریکائی ها سپرده اند، در آن صورت می توان تاحدودی نامطلوب های آن گروه را شناسائی کنیم.

الف) آنانی که پیشینه نامعلوم دارند. جنگ پیش از آن که سیاست باشد، تجارت است و در هر جایی که جنگ طولانی در بگیرد، کسانی "بدون پیشینه معلوم" وارد می شوند و برای حفاظت از منافع خود یا کسب منافع بیشتر در یکی از طرف ها می ایستند. بعد از آن که طالبان با امریکائی ها تفاهمنامه امضاء کردند و نشانه های تثبیت جایگاه آن گروه به عنوان بدیل دولت جمهوری اسلامی دیده شد، هم در داخل افغانستان صف ها تغییر کرد و نیروهای زیادی کنار طالبان آشکارا یا به نهان ایستادند و هم همسایگان و ذی نفعان خارجی دیگر برای دور نماندن از میدان جدید، به طالب سازی و یارگیری بیشتر از صفوف طالبان روی آوردند. در آستانه سقوط کابل، صفوف طالبان به یک نیروی حشری می ماند که مثل خود افغانستان پر از اختلاف و تنوع بود. رهبران طالبان اکنون احتمالاً می خواهند لیست های خود را مرور کنند و ببینند که کی ها واقعاً طالب بایستینه اند و چه کسانی سمارق و ار کنارشان روئیده اند. مسأله اما به این سادگی نیست که طالبان را به بایستینه و بی پیشینه تقسیم و تصفیه کنند که اولی ها بروند و دومی ها بمانند. گاهی تازه واردان در جایی می چسبند که اگر تکان دهید ریشه های بایستینه ترین ها خواهد لرزید. تلاش برای چنین تصفیه ای ایستادن در برابر ماهیت جنگی، تجاری و سیاسی طالبان می باشد. طالبان بدون داد و گرفت با نیروهای طالب نما نمی توانند منافع اقتصادی و سیاسی خود را تأمین کنند.

ب) کسانی که عملکردشان مشکوک است. طالبان می دانند که جمع کردن منافع همه کشورهای که هنگام جنگ علیه امریکا و بعد از آن کنار طالبان ایستادند آسان نیست و به خصوص اگر آن کشورها فراکسیون های مستقل خود را در داخل این گروه داشته باشند، اداره امور برای امارت بسیار سخت خواهد شد. مثلاً ایران یکی از حامیان جدی طالبان بود. در خاک خود پناهگاه و آموزشگاه داده بود، برای شان سلاح و مهمات می داد و در اواخر به شکل علنی طالبان را

تبلیغ می‌کرد. اکنون که این گروه به حمایت مالی امریکا و اتحادیه اروپا چشم دوخته است، مهر تأیید "صادق و حرفه نی" بودن وزارت خارجه امریکا برای‌شان از تبلیغات صداوسیما ایران بهمراتب ارزشمندتر است. واکنش رهبر ایران و بعد حسن‌نصرالله رهبر حزب‌الله لبنان به حمله انتحاری قندز ممکن اعلام نارضایتی از تماس مجدد طالبان با امریکا و احتمال زیرپاکردن تعهداتی باشد که این گروه در جریان کمپاین‌های تسلط بر کابل به ولایت فقیه داده بود، ورنه در گذشته بارها حملات خونین علیه شیعیان افغانستان انجام گرفته بود و ما اعتراض جدی از سید حسن نصرالله و سید علی خامنه‌ای نشنیده بودیم. افراد مشکوک در صفوف طالبان احتمالاً نیروهائی هستند که هنگام حشر علیه دولت جمهوری اسلامی غنی با پول و حمایت کثورهائی چون ایران بسیج شده بودند و اکنون باید به‌حاشیه رانده شوند.

ج) آنانی که شیوه کارشان مغایر با شیوه کار طالبان می‌باشد. این گروه از افراد داخل صفوف طالبان جنجال برانگیزترین‌ها اند. طالبان در چهره جدیدی که بعد از تفاهنامه دوحه تلاش کرده به جهانیان بدهند، بین خود و القاعده و نیز داعش فاصله قایل شده اند. آنان می‌گویند با القاعده و داعش از نظر دینی و مذهبی برادرند، همان‌طوری که ملا عمر و اسامه برادر بودند، اما روش کارشان تفاوت دارد. طالبان خود را نیروی جهادی ملی محدود به افغانستان می‌خوانند که گویا آجندای جهاد جهانی ندارند، اما القاعده، داعش، حزب‌التحریر و دیگران جهادیان بین‌المللی می‌باشند. گفتن این سخن برای طالبان در پشت میزهای مذاکره و در مصاحبه با رسانه‌ها آسان است، اما جدا کردن جهادیان بین‌المللی و افغانی از صفوف این گروه مثل جداسازی گوشت از استخوان می‌باشد. طالبان بدون ایده جهاد جهانی نمی‌توانست بعد از ضربات سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ قد برافرازد. صفوف طالبان با جهادگرایی جهانی جان گرفته و رشد کرده است، اکنون نیز هسته اصلی نیروی تفنگدار طالبان را رؤیای جهاد جهانی سر پا نگه‌داشته است. طالبان می‌توانند به دلایل اختلافات فرقه‌ئی علیه القاعده و داعش بجنگند ولی اگر واقعاً بخواهند شیوه کار و آجندای ملی و بین‌المللی را معیار اختلاف قرار دهند، با مشکل حیاتی مواجه خواهند شد.

د) کسانی که از اوامر صادره رهبری طالبان فرمان نمی‌برند. سخنگویان طالبان در دو ماه گذشته بارها یادآور شده‌اند که گروه‌شان متحد و عاری از هرگونه اختلاف جدی است. حتی بتازگی از زبان یکی از سخنگویان گروه نقل شده است که طالبان یکپارچه و متحدترین گروه در جهان اند. اما اگر دور نرویم، اتفاقات دو ماه حاکمیت اخیرشان حکایت‌های دیگر دارد. آنان نشان داده‌اند که آنچه در رهبری وعده سپرده می‌شود در صفوف عملی نمی‌گردد و گاه رهبری طالبان مجبور می‌شوند برای کنترل اقدامات خودسرانه قومندانان خود دستور اداری نی بلکه فرمان رسمی صادر کنند که به‌خانه‌های مردم بدون اجازه وارد نشوید، موترها و اموال "غنیمتی" را نفروشید، و بدون حکم رسمی برای تلاشی نروید. از قراین بر می‌آید که این فرمان‌ها نیز چندان عملی نمی‌گردند و کسانی در میان قومندانان و متنفذان این گروه مصروف جمع‌آوری پول و تصفیه حساب‌های شخصی اند. حتی در برخی قضایای مهمی چون کوچ اجباری ساکنان تعدادی از قریه‌ها در دایکندی برخورد قومندانان محلی طالبان ملوک‌الطوایفی‌گونه بود نه به‌شیوه‌ای که یک اداره مدعی حکومت حداقل در شکلیات باید رعایت نماید. متضررین بدون طی مراحل قضائی و دعوای حقوقی رسمی، از خانه‌های‌شان کوچانده شده بودند. به‌منظر نمی‌رسد آنان به فرمان و هدایت رهبری طالبان یا محکمه ذیصلاح آن گروه کوچانده شده باشند، و از سوی دیگر به‌منظر می‌رسد رهبری کابل‌نشین طالبان قادر نیست فرمان خود را در دایکندی یا مزار مثل یک اداره مرکزی بااقتدار اعمال کند. کابینه طالبان می‌داند که ادامه این وضعیت مانع تثبیت اداره شان خواهد شد و ازینرو اعلام کرده اند که نافرمان‌ها را از صفوف خود دور خواهند کرد. اما این سؤال برجاست که استقلال محلی که طالبان سال‌ها به فرماندهان خود قایل بوده‌اند و بر مبنای آن هر قومندان طالب می‌توانست محکمه صحرائی دایر کند،

عشر بگیرد، اعدام کند و دره بزند، آیا به آسانی پس‌گرفتنی خواهد بود؟ تلاش برای کنترل آن افراد و گروه‌های بانفوذ پایه‌های خود امارت را نخواهد لرزاند؟

ه) آنانی که با واسطه دیگران به صفوف طالبان وارد شده‌اند. این دیگران احتمالاً اشاره به دستگاه‌های استخباراتی است. بارها شنیده‌ایم که کشورهای دور و نزدیک به شمول روسیه، اسرائیل، هند، چین و حتی جمهوری اسلامی خود افغانستان در میان طالبان نیرو داشتند. در زمان غنی، شورای امنیت ملی متهم بود که به شاخه‌ای از طالبان معاش می‌پردازد. اکنون که طالبان حاکم شده‌اند حتماً تلاش خواهند کرد که دست‌های مخالف را از درون صفوف خود کوتاه کند.

با این اوصاف، وضعیت درون طالبان کمتر از وضعیت عمومی کشور بحران‌زده و دچار تشنج نیست. این امر نیاز ما به داشتن جامعه رنگین و دمکراتیک را بیش از هر زمان دیگر برجسته می‌سازد. با استبداد، تکروی و انحصار کشور ساخته نمی‌شود، صلح پایدار تأمین نمی‌شود و افغانستان به محیط امن برای فرزندان ما بدل نمی‌گردد. اگر در پی یک‌رنگ‌سازی باشیم، کمپاین تصفیه را پایانی نخواهد بود.